

شخصیت محترم را وارد کرد، در مقام پاسخ‌گویی برآید. جواب وی با عبارت فروتنانه زیر آغاز می‌شود:

«خودستایی بد است و تشخیص نیک و بد را باید بز عهده صاحبان فکر متین و عقل سلیم واگذار نمود. غالباً روزنامه‌ها به‌جای آن که در موضوع نگارشات جرایم مبارزه بکنند، قوری شخصیت اشخاص را مطرح کرده هر چه به قلم‌شان آمد می‌نویسند. به این واسطه مرا هم مجبور کردند که مختصری خود را معرفی نمایم...»<sup>۱۶</sup>

از جمله اقدامات دیگر علیه شورای مرکزی اتحادیه‌ها، ایجاد انجمن‌هایی برای زکاتت با آن‌ها بود. مانی می‌نویسد که این انجمن‌ها به اشاره مدرس در پنج محل تهران توسط بارفروش‌های میدان و جمعی از کسبه تشکیل شده بودند و طرح جمله به اتحادیه مرکزی و روزنامه حقیقت را می‌ریختند.<sup>۱۷</sup>

حاجی محمد تقی بنکدار، از سردسته‌های بازار تهران، از نفوذ خود در بازار برای فشار به اعضای مبارز اتحادیه بزازخانه استفاده می‌کرد و نیز تعرض به آن‌ها را سازمان می‌داد. در روزنامه «حقیقت» می‌خوانیم: «رفیق جنیل‌زاده که یکی از اعضای مبارز اتحادیه کارگران بزازخانه می‌باشد، در نتیجه دسائس بنکدارها و هم‌مسلکان وی از قبیل حریرچیان و شرکاء خود منفصل شده است.»<sup>۱۸</sup> هم‌چنین «روز جمعه گذشته (۲۶ خرداد ۱۳۰۱) در شاهزاده عبدالعظیم، حاجی محمد تقی بنکدار و شیخ عبدالحسین خزاری، عده‌ای از اعوان خود و شاگرد هوچی‌ها را جمع نموده، رفیق میرزا غلامحسین، نماینده اتحادیه کارگران بزازخانه را مورد تهاجم قرار داده‌اند...»<sup>۱۹</sup>

علاوه بر این‌ها مانی خبر از قتل دو کارگر می‌دهد جسد آن‌ها که یوسف و اکبر نام داشتند، در تهران در محله سر قبر آقا یا نزدیک دروازه ری پیدا می‌شود. مرگ این دو کارگر

<sup>۱۶</sup> - همان شماره

<sup>۱۷</sup> - رجوع شود به مانی، همان‌جا، صص ۱۷-۱۶

<sup>۱۸</sup> - حقیقت، شماره ۹۲، به نقل از رئیس‌نیا، همان‌جا، صص ۳۳۱

<sup>۱۹</sup> - حقیقت، شماره ۱۰۱، به نقل از همان‌جا

که یکی کفاش و دیگری خمیرگیر نانوايي بود، با اعتراض گسترده اتحاديه‌ها روبه‌رو مي‌شود.<sup>۲۰</sup>

کتک زدن کارگران توسط آژان‌ها و لباس شخصی‌ها عادي بود. در روزنامه حقيقت چند نمونه از اين قبيل ماجراها ذکر شده است. از جمله: «عصر جمعه در مسجد شاه، شيخ حسين سرچاقی کن به همراهی چند نفر از امنيه‌ها نسبت به روزنامه حقيقت و کارگران قحاشی نموده و دو نفر از کارگران مطابع را هم به اسم اين که شما طرف‌دار روزنامه حقيقت هستيد کتک مي‌زنند.»<sup>۲۱</sup>

بساط تکفير و تحريك عواطف مذهبي عوام‌الناس عليه «حقيقت» هم رواج داشت. دو نمونه آن در روزنامه حقيقت انعکاس يافته است که آن‌ها را مي‌آوريم:

«روز گذشته فوق‌العاده‌اي از طرف اتحاديه هيئت چاله ميدان منتشر شده است. در لايحه مزبور جرايد ستاره ايران، جهان زنان، ميهن، اقنام و حقيقت را مورد حمله قرار داده و آن‌ها را مخالف مذهب اسلام مي‌خواند. ما احساسات ساده اين رفقای عوام را تمجيد مي‌کنيم. ولي لوطيانه از آن رفقا سؤال مي‌کنيم که آيا اين افکار از خودتان است يا ديگران به شما القاء کرده و شما را آلت کرده‌اند؟ روزنامه ما براي بدبختی شما، فقر و فاقه شما فریاد مي‌کند و اگر به انصاف نظر کنيد، خواهيد ديد که دوستان شما و طرف‌داران اسلام اين‌ها هستند و اشخاصی که شما را گول مي‌زنند دشمن سعادت فقرا و مخرب اسلام هستند.»<sup>۲۲</sup>

«... مخصوصاً جریده «حقيقت» در دست بعضی‌ها موضوع جديدي بود حکومت وقت و اشخاص نیز از اين موضوع استفاده کردند. عوام بيچاره جهاد دينی را همان در ضدیت حقيقت تصور کردند... مگر ما چه نوشته بوديم؟ چه چیز سبب کافر شدن حقيقت بود؟... ما

<sup>۲۰</sup> - مانی، همان‌جا، صص ۲۰-۱۹

<sup>۲۱</sup> - حقيقت، شماره ۸۱، ۲۵ اردی‌بهشت ۱۳۰۱

<sup>۲۲</sup> - حقيقت، شماره ۷۷، ۲۱ اردی‌بهشت ۱۳۰۱، به نقل از رئيس‌نیا، همان‌جا

برای فهماندن وظایف حکومت نظامی گفته بودیم که تو حق نداری به مسایل وجدانی و دینی مردم دخالت بکنی...»<sup>۳۲</sup>

### توقیف روزنامه‌ها و فراهوان به اعتصاب عمومی

در خرداد ماه ۱۳۰۱ پس از سقوط کابینه مشیرالدوله بار دیگر قوام السلطنه از سوی شاه به نخست وزیری منصوب شد. قوام این بار علاوه بر ریاست وزراء، شخصا وزارت امور داخله را نیز به عهده گرفت، زیرا مصمم بود کار روزنامه‌ها و جراید منتقد را یکسره کند و آن‌ها را ممنوع سازد. او بی‌درنگ پس از معرفی کابینه‌اش نطقی در برابر نمایندگان مجلس نمود و از آن‌ها خواست راه قانونی برای «محاکمه مطبوعات» را هموار سازند. اما منتظر این کار نماند و با شتاب به منظور تعقیب جراید بیانیه‌ای منتشر ساخت. در آن تصریح شده بود: «... هر روزنامه‌ای را که از حدود نزاکت خارج شده، و به تعرضات نامناسب و حملات بی‌رویه مبادرت ورزد تا تشکیل محکمه صالحه، آن روزنامه تعطیل»<sup>۳۳</sup> می‌شود.

مدت کوتاهی پس از انتشار بیانیه مذکور، در اولین تهاجم به جراید، روزنامه‌های «حقیقت» و «ایران آزاد» توقیف شدند. مأمورین حکومتی به قصد دستگیری دهگان به منزل او رفتند، ولی دهگان پنهان شده بود و مأموران به وی دست نیافتند. به مرور از اوایل تیر ماه تا شهریور ۱۳۰۱ به دستور حکومت روزنامه‌های دیگری نیز توقیف شدند؛ از جمله «طوفان» به مدیریت فرخی یزدی و روزنامه تازه تأسیس «اقتصاد ایران» به مدیریت ابوالفضل لسانی (عضو اتحادیه معلمان).

تعطیل کردن روزنامه‌ها با مخالفت نیروهای مترقی روبه‌رو شد. فعالین اتحادیه چاپ که در میان آن‌ها سازمان گران برجسته‌ای مثل باقر نوایی (کارگر چاپ‌خانه مجلس شورای ملی) و محمد پروانه (کمونیست مجرب و مؤسس نخستین اتحادیه چاپ در زمان مشروطیت) حضور

<sup>۳۲</sup> - همان‌جا، ص ۳۲۸

<sup>۳۳</sup> - مکی، همان‌جا، جلد دوم، ص ۸۵

داشتند، علیه سرکوب مطبوعات ابتکار عمل را به دست گرفتند. اتحادیه چاپ جلسه فوق‌العاده تشکیل می‌دهد و تصمیم به اعتصاب می‌گیرد. اعتصاب کارکنان چاپ حربه مؤثری بود، زیرا با این کار از انتشار روزنامه‌های طرفدار حکومت نیز جلوگیری می‌شد. از جراید دست راستی یا حامی حکومت می‌توان به «ایران» (به مدیریت زین‌العابدین خان رهنما)، «گلشن» (به مدیریت سید محمد رضا امیر رضوانی)، «قانون» (به مدیریت سید اسدالله رسا)، «اتحاد» (به مدیریت مسیو هایم) و «میهن» (به مدیریت مبرز ابوطالب خان شیروانی) اشاره کرد.

قوام‌السلطنه از قصد کارگران به اعتصاب مطلع می‌شود و دستور می‌دهد باقر نوایی، عبدالحسین سادات گوشه و سید عبدالله امام از سازمان دهندگان اعتصاب را دستگیر کنند و فوراً آن‌ها بازداشت می‌شوند. مانی تعریف می‌کند که ادیب‌السلطنه (کفیل وزارت داخله) و مأمورین نظمی به چندین دستگاه در شبکه به در خانه کارگران می‌روند، آن‌ها را به زور وامینارند به چاپ‌خانه‌ها بروند و مطبوعات وابسته را چاپ کنند. کارگران مقاومت می‌کنند نه تنها زیر بار نمی‌روند، بلکه خواهان آزادی نماینده‌گان خود می‌شوند. حکومت به این شرط که کارگران به سر کار خود بازگردند، نماینده‌گان را آزاد می‌کند، اما باز کارگران از چاپ جراید وابسته سر باز می‌زنند. آن‌ها استدلال می‌کردند که بر اثر توقیف چهارده روزنامه قریب ۵۰۰ نفر از همکاران‌شان بیکار شده‌اند، و هر گاه شغل برای آن‌ها تأمین گشت، آن‌گاه اعتصاب را می‌شکنند. ادیب‌السلطنه که مقاومت کارگران را می‌بیند، مجدداً دستور دستگیر نمودن نماینده‌گان را می‌دهد و آن‌ها را زندانی می‌کند. فردای آن روز دهگان از نماینده‌گان اتحادیه‌های مختلف دعوت می‌کند تا نشستی ترتیب داده، درباره برپایی یک اعتصاب عمومی تصمیم بگیرند. جلسه برگزار می‌شود و با اعتصاب عمومی موافقت می‌گردد. تصمیم شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگری به اطلاع رئیس مجلس که در آن زمان موتمن‌الملک (حسن پیرنیا) بود رسانده می‌شود. سرانجام قوام‌السلطنه وادار می‌شود، دستور آزادی نماینده‌گان در بند را صادر کند. وقتی نماینده‌گان آزاد می‌گردند کارگران از آن‌ها استقبال پرشوری به عمل می‌آورند.<sup>۲۵</sup>

<sup>۲۵</sup> - رجوع شود به مانی، همان‌جا، صص ۱۴-۱۳

## یادداشتی بر اسنادی از فرآیند تشکیل «انجمن بین‌المللی کارگران»

کامران نیروی

در این شماره از «کتاب پژوهش کارگری» ترجمه سه سند تاریخی در مورد فرآیند تشکیل «انجمن بین‌المللی کارگران» که به «بین‌الملل» معروف شد، در اختیار خواننده علاقه‌مند قرار می‌گیرد. «انجمن بین‌المللی کارگران» طی اجلاسی از کارگران و فعالین رادیکال از چند کشور اروپایی در تالار سنت مارتینو شهر لندن در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ تشکیل شد. بین‌الملل ۱۲ سال

دوام آورد و به عنوان قانونی برای بحث و تبادل نظرات در جنبش کارگری جهت اتخاذ سیاست پرولتری انترناسیونالیستی عمل کرد. بین‌الملل در مبارزات برای اصلاح حق رأی عمومی در انگلیس، برای کسب حقوق قانونی برای کارگران، در حمایت از موج اعتصابات که بعد از بحران ۱۸۶۶ براف افتاد، در جهت ایجاد اتحادیه‌های کارگری در کشورهای گوناگون و در همبستگی با مبارزات توده‌های - از مبارزات ضد برده‌داری در ایالات متحده، تا مبارزات استقلال‌طلبانه ملی در ایرلند و در لهستان تا کمون پاریس - شرکت داشت. سرانجام تعمیق اختلافات بین طرف‌داران نظریات مارکس و طرف‌داران نظریات باکونین، آنارشیزم روسی، باعث شد که بین‌الملل در کنگره ۶-۲ سپتامبر ۱۸۷۲ که در شهر لاهه هلند با شرکت ۶۵ نماینده از کشورهای آلمان، انگلیس، اتریش، استرالیا، ایرلند، اسپانیا، ایالات متحده، بلژیک، پرتغال، دانمارک، سوئیس، فرانسه و لهستان برگزار شد به انشعاب کشیده شود. رهبری منتخب این کنگره که مقرش در نیویورک تعیین شده بود، در اجلاسی در شهر فیلادلفیا به تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۸۷۶ رأی به انحلال بین‌الملل داد.

## ۱- زمینه تاریخی

تشکیل بین‌الملل ناشی از یک سلسله از شرایط تاریخی بود. در وهله اول، بین‌الملل در انگلیس پایه‌گذاری شد چرا که این کشور خود در مسیر فرآیندهای تاریخی به مهد سرمایه‌داری صنعتی تبدیل شده بود. از یک هابیزام مورخ صاحب نام به آماری از دادلی باکستر استناد می‌کند که در سال ۱۸۶۷ از ۲۴/۱ میلیون جمعیت بریتانیای کبیر ۷۷ درصد را «طبقه کارگری که به کار یدی مشغول است» تشکیل می‌داد. (۱) دادلی باکستر کارمندان، صغازه‌داران و فروشنده‌گان، سرپرستان کارگران و مباشرین سرمایه‌داران را جزء «طبقه متوسط» به حساب آورده بود. در نتیجه رویارویی «لبقاتی بین بورژوازی و پرولتاریا اولین شواهد مستعربش را در این کشور به منصفه ظهور گنارد. چارتیسم - جنبش سیاسی کارگران بریتانیای کبیر که طی سال‌های ۱۸۳۰ تا اوایل دهه ۱۸۵۰ حول شعار «منشور مردم» برای تحقق خواست‌هایی چون حق رأی عمومی (برای مردان) مبارزه می‌کرد - اولین جنبش سیاسی طبقه کارگر در تاریخ

است. در انگلستان بود که طیف قابل ملاحظه‌ای از رهبران کارگری که به چشم‌انداز مبارزه طبقاتی به معنی یک اصل مبارزاتی و همچنین یک عامل تاریخی دست یافته بودند، تبلور یافت. و بالاخره در انگلستان بود که طیف وسیعی از کارگران با اولین ادراک از همبستگی انترناسیونالیستی پرولتری آشنا شد و به نیاز به عمل سیاسی متحد علیه سرمایه‌داری پی برد. بر این اساس بود که پیشگامان پرولتری متشکل شدند بین سال‌های ۱۸۴۵ تا ۱۸۶۴ اقدامات متعددی برای ایجاد تشکلات طبقه کارگر انجام شد. سه نمونه عمده را می‌توان مثال زد. به سال ۱۸۴۵، جولیان هارنی در لندن «جامعه دموکرات‌های برادر» را ایجاد کرد. در آن سال‌ها لندن مرکز پناه‌جویان سیاسی اروپا بود و این‌ها نیز در ایجاد این تشکل نقش ایفاء کردند. هم‌گرایی کارگران کمونیستی که در «انجمن عادلان» متشکل بودند با مارکس و انگلس به سال ۱۸۴۷ «انجمن کمونیست» را به وجود آورد و برای اولین بار مبارزین پرولتری را با برنامه و استراتژی سوسیالیستی انقلابی مسلح کرد و زمینه‌ساز مبارزه برای حکومت کارگری شد. ارنست جونز، از رهبران چارتریست «کمیته بین‌المللی کارگران» را در لندن به‌وجود آورد و طی سال‌های ارتجاعی ۱۸۵۰ با برگزاری جلسات بزرگ و تظاهرات خیابانی سنت انترناسیونالیسم کارگری را حفظ کرد.

این عوامل در اواخر دهه ۱۸۵۰ با یک سری رویدادهای تاریخی ترکیب شدند و به احیای جنبش کارگری کمک کردند. از مهم‌ترین این رویدادهای تاریخی می‌توان از بحران اقتصادی سال ۱۸۵۷، که عمیق‌ترین بحران در قرن نوزدهم بود، جنگ استقلال ایتالیا به سال ۱۸۵۹ و جنگ داخلی ایالات متحده که در سال‌های ۱۸۶۱-۱۸۶۰ آغاز شد، نام برد. تأثیر این رویدادها بر انگلستان، فرانسه و کشورهای اروپایی که در مسیر صنعتی شدن بودند، چشم‌گیر بود. در فرانسه دیکتاتوری ناپلئون تضعیف شد و کارگران فرانسوی توانستند حق شرکت در انتخابات را به دست آورند. سندیکا بسازند و در شرایط کار بهبود ایجاد کنند. اما مهم‌ترین تحولات در انگلستان رخ داد. اگر چه کارگران حق ایجاد اتحادیه‌های کارگری را در سال ۱۸۲۵ به دست آورده بودند، اما توده زحمتکشان حق رأی نداشت، در عین حال فرایند توسعه روابط سرمایه‌داری در قاره اروپا و صنعتی شدن چند کشور امکان رقابت کارگرانی را که دستمزدی ناچیز دریافت می‌کردند با کارگران انگلیسی مطرح می‌کرد. زمانی که کارگران انگلیسی برای

افزایش دستمزد یا کاهش ساعات کار مبارزه می‌کردند، سرمایه‌داران تهدید به استفاده از کارگران فرانسوی، بلژیکی یا آلمانی می‌کردند از جانب دیگر جنگ داخلی در ایالات متحده به تحریم صدور پنبه از آن کشور انجامید که صنعت نساجی انگلستان را فلج و کارگران بسیاری را به بیکاری کشید.

این اوضاع اتحادیه‌های کارگری انگلیس را دستخوش تحول کرد و جنبشی به نام «اتحادیه‌گرایی نوین» متشکل از رهبران مبارزی از اصناف متعدد چون کارگران فنی (انجینیر)، نجارها، لوله‌کش‌ها، بناها، کفاش‌ها بوجود آمد. این جنبش به چشم‌انداز مبارزه سیاسی از جانب اتحادیه‌های کارگری دست یافت و خواهان شرکت فعال در بحث و ارائه نظر پیرامون سیاست داخلی و خارجی بود رهبران این جنبش تظاهرات بزرگی را برای کسب حق رأی عمومی (برای مردان) و علیه توطئه نخست‌وزیر پالمستون، که خواهان حمایت از برده‌داران جنوب در جنگ داخلی ایالات متحده بوده سازمان دادند و جلسه خوش‌آمدی به سال ۱۸۶۴ در لندن برای رهبر جنبش استقلال‌طلب ایتالیا، گیوسپ مازینی، بر پا کردند.

## ۲- اعلام وجود بین‌الملل

یک نتیجه سیاسی از بیداری کارگران انگلیسی و فرانسوی احیای ایده انترناسیونالیسم بود. رهبران کارگران در این دو کشور طی یازدهمین هیئت نمایندگی کارگران فرانسه از نمایشگاه جهانی در لندن به سال ۱۸۶۲، با یکدیگر دیدار و مذاکره کردند به دنبال توطئه مشترک فرانسه، انگلیس و روسیه علیه قیام استقلال‌طلبان لهستانی به سال ۱۸۶۳، این تماس‌ها از طریق مکاتبه ادامه یافت. سرانجام جلسه مشترکی از هیئت نماینده‌گی کارگران انگلیسی و فرانسوی در تالار سنت مارتین لندن در ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ برگزار شد که در آن نمایندگان از تشکلات کارگری و دموکرات‌گروه‌های مهاجر و پناهنده از کنسورهای مختلف نیز حضور داشتند ماحصل گفتگوهای این نشست توافق جمعی جهت اعلام وجود «انجمن بین‌المللی کارگران» بود در همین نشست، پدنه‌ای به عنوان «کمیته» انتخاب شد که موظف به تدوین



طرح این نامهای برای این تشکل جدید شد که به اولین کنگره بین‌الملل که قرار شد در سال ۱۸۶۵ در بروکسل برگزار شود، برای بحث و تصویب تقدیم گردد.

حاضرین در این نشست تاریخی دارای زمینه‌های سیاسی گوناگون بودند: انگلیسی‌های طرفدار اوئن، چارتیست‌ها، فرانسویان طرفدار پرودون، فرانسوی‌های بلانکیست، ملی‌گرایان ایرلندی و لهستانی، طرفداران مازینی و سوسیالیست‌های آلمانی. در نتیجه چشم‌انداز مشترکی برای بین‌الملل وجود نداشت. رهبران کارگران از لندن، خواهان یک تشکل بین‌المللی از اتحادیه‌های کارگری بودند که دستمزدها را تنظیم کند، ساعات کار را تقلیل دهد و اعتصابات را هماهنگ سازد. نمایندگان که از پاریس آمده بودند، امیدوار بودند که بین‌الملل به ایجاد تفاهم طبقاتی کمک کند و به تشکلی برای اعطای اعتبار مالی بدون بهره و گسترش تعاونی‌ها تبدیل شود. تنها یوهان گئورگ اکاریوس خیاط آلمانی مقیم لندن که به پیشنهاد کارل مارکس به جلسه دعوت شده بود و به نمایندگی از جانب کارگران آلمانی سخن می‌گفت اظهار امیدواری کرد که بین‌الملل به تشکلی پرولتری انقلابی که علیه نظام استثمارگر موجود مبارزه کند، تبدیل شود. مارکس که به دعوت ویکتور لولوب، یک جمهوری‌خواه رادیکال فرانسوی مقیم لندن، به عنوان نماینده‌ای از جانب کارگران آلمانی به جلسه دعوت شده بود - به گفته انگلس - امیدوار بود که بین‌الملل به انجمن پرولتاریای جهانی بدل شود که «خصیصه بین‌المللی جنبش سوسیالیستی را هم به خود کارگران و هم به بورژواها و حکومت‌ها نشان دهد، تا پرولتاریا تشویق و تقویت شود و در دل دشمن وحشت بیفتد.» (۲)

### ۳- نقش مارکس

شکست انقلابات ۱۸۴۸ انحلال «انجمن کمونیست» را قطعی کرد. مارکس و انگلس، چشم انتظار تحولات سیاسی مطلوب و احیای جنبش کارگری، سال‌های ارتجاع را به کارهای پژوهشی گذراندند. زمانی که «کمیته بین‌المللی کارگران» به ابتکار ارنست جونز شکل گرفت، مارکس به دوستانش در ایالات متحده نوشت: «اگر چه طی این سال‌ها من مرتب از شرکت در هر «تشکلی» سر باز زده‌ام، این بار (این دعوت) را می‌پذیرم. چرا که امکان فعالیتی واقعا مثبت

وجود دارد» (۳) با اثبات شواهد آحیای جنبش کارگری انقلابی، مارکس به انگلس در تاریخ ۱۳ فوریه ۱۸۶۳ نوشت: «اکنون دوباره عصر انقلاب در اروپا آغاز شده است.» (۴) مارکس که در جلسه ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ بنا به قول خودش «چهره‌های ساکت در سکوی خطابه» بود به اعتبار فعالیت‌های کارگری سوسیالیستی‌اش به عضویت در «کمیته» انتخاب شد. نام این بدنه رهبری بین‌الملل بعداً به «شورای مرکزی» و سپس به «شورای عمومی» تغییر یافت و مارکس و اکاریوس تنها افراد حاضر در جلسهٔ اعلام وجود بین‌الملل بودند که در این بدنه رهبری تا به آخر حضور داشتند.

چندی بعد مارکس مطلع شد که او را برای کمیسیون تدوین آیین‌نامه بین‌الملل نیز انتخاب کرده‌اند. در نتیجه زمانی که مارکس موفق به شرکت در جلسه کمیسیون شد جان وستون از طرف داران اوئن یک «اعلامیه اصول» بنفند بالایی را آماده کرده بود و آیین‌نامه‌ای هم به قلم لوئیجی ولف از هواداران مازینی در دست بود. پس از مدتی بحث و ویکتور لولوب مأمور شد تا دو سند را در هم ادغام کند در نامه‌ای به تاریخ ۱۲ اکتبر ۱۸۶۴، اکاریوس از مارکس می‌خواهد که با پیش بگذارد و در تدوین اسناد پایهای بین‌الملل شرکت فعال کند اما زمانی که مارکس برای اولین بار در جلسه «کمیته» به تاریخ ۱۸ اکتبر شرکت می‌کند طرح لولوب مورد بحث بود در نامه‌ای که مارکس در ۴ نوامبر به انگلس نوشته است ارزیابی او را از این طرح می‌بینیم. مارکس این طرح را «مملو از کلیشه» و «جان‌نیفتاده» که افکار «صنایینی از آن ساطع است» و «پوسته‌ای از بی‌محتوی‌ترین سوسیالیسم فرانسوی» بر آن نشسته است، ارزیابی می‌کند. (۵) در جلسه ۱۸ اکتبر مارکس این طرح را مورد نقد مؤدبانه‌ای قرار می‌دهد و جلسه آن را برای ویرایش نهائی به کمیسیون برمی‌گرداند.

در جلسه کمیسیون که در ۲۰ اکتبر در منزل مارکس برگزار می‌شود و در آن ویلیام کریمر اتحادیه‌گر انگلیسی، لولوب و گیوسپ فونتانا ایتالیایی نیز شرکت دارند به پیشنهاد مارکس به بحث مفاد ۴۰ گانه آیین‌نامه می‌پردازند. اما تا ساعت یک بعد از نیمه شب جلسه تنها موفق به تأیید اولین ماده از این مقررات می‌شود. جلسه به پیشنهاد کریمر و توافق همگی از مارکس می‌خواهد این متن را ویرایش کند و توصیه می‌کند که جلسه بعدی کمیسیون در ۲۷ اکتبر تشکیل شود و متن نهائی در اول نوامبر به «کمیته» ارائه شود.

مارکس طرح لولوب را اساساً از تو نوشت. در واقع تنها باقی مانده از طرح قبلی در متن این نامه‌ای که مارکس نوشت نام تشکیلات جدید و تاریخ و مکان برگزاری کنگره آغازین بین‌الملل بود. به علاوه مارکس طرح دیگری را تحت عنوان «نطق افتتاحیه انجمن بین‌المللی کارگران» تهیه کرد که قبلاً از طرف کمیسیون یا «کمیته» پیش‌بینی نشده بود. دو طرح پیشنهادی مارکس در جلسه کمیسیون بحث و تصویب شدند در اول نوامبر ۱۸۶۳. «کمیته» این استاد را بررسی کرد و با توافق آراء تصویب کرد. در زیر متن «این نامه موقت انجمن» به قلم مارکس در دسترس خواننده علاقه‌مند قرار دارد. این متن و «نطق افتتاحیه انجمن بین‌المللی کارگران» که در شماره بعدی «کتاب پژوهش کارگری» خواهد آمد، اولین بار به صورت جزوهای تحت عنوان «خطابه و این نامه موقت انجمن بین‌المللی کارگران» در نوامبر ۱۸۶۳، در لندن به زبان انگلیسی چاپ شدند. گروه‌های کارگری متعددی این متون را نشر کردند. از جمله «بی‌هایو نیوز پی‌پر» شماره ۱۶۱، ۱۲ نوامبر ۱۸۶۳ و «مایند آند ورکمن ادوکیٹ» شماره ۹۳، ۱۰ دسامبر ۱۸۶۳. این متون به فرانسه چاپ شده و در بلژیک، فرانسه و سوئیس نیز پخش شدند. ترجمه فرانسه همراه با اشتباهات و دست‌کاری‌هایی بود. در نتیجه چارلز لئونگه ترجمه جدیدی فراهم کرد که توسط مارکس بررسی شد. متن آلمانی در «در سوسیال-دموکرات» شماره ۱۰، ۱۸ ژانویه ۱۸۶۵ و در «در فریبوت» شماره ۴ و ۵، آوریل و مه ۱۸۶۶ چاپ شد. چاپ ایتالیایی در «لو اونیتا ایتالیانا» در ۱۸ فوریه ۱۸۶۵ (میلان) و در «ایل دور» در ۲۶ اوت ۱۸۶۵ (جنوا) صورت گرفت.

کنگره ژنو بین‌الملل، متن نهایی «این نامه» را در دو نشست ۵ و ۸ سپتامبر ۱۸۶۶ بحث و تصویب کرد. این متن علاوه بر تغییرات مختصری در «این نامه موقت» حاوی بخشی است که کمیسیونی که شامل اکاریوس نیز بود در مورد «مقررات اداری» بین‌الملل نوشته بود. متن «این نامه» در زیر آمده است. اما کار برگردان «مقررات اداری» به آینده سپرده شده است. این متون بعد از کنگره به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی منتشر و در نشریات مختلف کارگری چاپ شدند. مارکس خود در تهیه دو تا از این متون شرکت داشت که متن برگردان شده زیر از نسخه مورد تأیید مارکس است. لازم به توضیح است که متون متفاوتی از این نامه به زبان‌های مختلف وجود دارند که شامل اشتباهات در ترجمه و گاه تعدد در تعبیر محتوای این نامه

هستند این تفاوت‌ها گاه باعث اختلافاتی شد و با اختلافاتی را دامن زد که پرداختن به این‌ها از حوصله این یادداشت خارج است.

سند سوم «گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سال‌گرد انجمن بین‌المللی کارگران» است. مارکس این سخنرانی را در جلسه‌ای که در لندن به تاریخ ۲۴ سپتامبر ۱۸۷۱ برگزار شد، ایراد کرد. در این جلسه که به ریاست مارکس برگزار شد نمایندگان کنفرانس لندن بین‌الملل، اعضای «شورای عمومی» بین‌الملل و گروهی از مبارزین کمون پاریس که به انگلستان پناهنده شده بودند، حضور داشتند. این گزارش در نشریه «د ورلد» (جهان) به تاریخ ۱۵ اکتبر ۱۸۷۱ چاپ شد و تنها منبعمی است که سخنرانی مارکس در این مراسم را منعکس نموده است. مطالعه دقیق این گزارش نارسایی آن را در برخی موارد روشن می‌کند چرا که گزارش‌گر حتی تاریخ جلسه را به اشتباه ۲۵ سپتامبر آورده است و در برخی موارد نظرات شناخته شده مارکس را نادقیق مطرح می‌کند اما اساس نظرات مارکس در مورد منشأ، ماهیت و وظایف بین‌الملل به طرز خوبی خلاصه در گزارش آمده است.

همه متون از کلیات مارکس و انگلس به زبان انگلیسی همان‌طور که در فهرست منابع آمده است، اخذ شده است. آنچه در میان دو قلاب ( ) آمده از مترجم است.

۱۸ ژانویه ۲۰۰۲

## پی‌نوشت و منابع:

اسنادی که همراه این یادداشت از نظر خواننده می‌گذرند، از منابع زیر اخذ و ترجمه شده‌اند.  
- «آئین‌نامه موقت انجمن بین‌المللی کارگران» از کلیات مارکس و انگلس، جلد ۲۰

- «دین نامه» از «دین نامه و مقررات اداری انجمن بین المللی کارگران» از کلیات مارکس و انگلس، جلد ۲۰، صص ۲۳۲-۲۳۱.

- «گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سالگرد انجمن بین المللی کارگران» از جلد ۲۲، کلیات مارکس و انگلس، صص ۳۲-۶۳۳.

ناشر کلیات مارکس و انگلس به زبان انگلیسی، انتشارات «پروگرس پابلیشرز» در نیویورک است.

یادداشتی که از نظر خواننده گذشت با استفاده از منابع منجمله نوشته کوتاه و خیلی مفید از جورج نوآک تحت عنوان «بین الملل اول» که در کتاب «اولین سه بین الملل» به قلم جورج نوآک، دیوید فرانکل و فرد فلدمن چاپ انتشارات پت فاینتر (سال ۱۹۷۳)، «مقدمه» و حواشی ویراستاران جلد بیستم کلیات مارکس و انگلس به زبان انگلیسی، چاپ انتشارات «اینترناشنال پابلیشرز»، «زندگی نامه کارل مارکس» که توسط «انستیتوی مارکسیسم-لنینیسم» از «کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی» توسط انتشارات پروگرس به سال ۱۹۷۳ چاپ شده است و مقدمه ساموئل پادوور که مترجم و ویراستار کتاب «کارل مارکس: در مورد بین الملل اول» توسط انتشارات «مک گراهیل» در سال ۱۹۷۳ چاپ شده، تحریر گردیده است.

نقل قول‌های مستقیم از منابع زیر است:

۱- اریک هابزهام، «صنعت و امپراطوری»، ترجمه عبدالله کوثری، انتشارات ماه، مکان ؟، چاپ اول، ۱۳۶۱، ص ۱۵۷.

2- Engels, F. "Collected Works", vol. 24, p. 190

3- Mohring, F. "Karl Marx", p. 323

4- "Marx and Engels" Selected Correspondence, p. 144

5- "Karl Marx: A Biography". The Institute of Marxism-Leninism, Moscow: Progress Publishers, 1973, p.419

در زیر معرفی کوتاهی در مورد برخی از شخصیت‌های بارزی که در مورد انسان‌اشاراتی شده است، می‌آید.

۱- ژوزف پیر پرودون (۱۸۰۹-۱۸۶۵) نویسنده، اقتصاددان و جامعه‌شناس فرانسوی، یکی از بنیان‌گذاران انارشیزم است. او نماینده مجلس مؤسسان در ۱۸۴۸ بود و طرف‌دارانش نقش مهمی در فعالیت‌های بین‌المللی به‌ویژه در فرانسه داشتند.

۲- گیوسپ مازینی (۱۸۲۲-۱۸۰۵) انقلابی دموکرات ایتالیایی و رهبر جنبش آزادی‌بخش ملی آن کشور بود که به مقام رهبری حکومت موقت «جمهوری روم» (۱۸۴۹) رسید، او سازمان‌دهنده «کمیته اروپایی دموکراسی» در لندن بود (۱۸۵۰) و زمانی که «بین‌الملل» در سال ۱۸۶۴ پایه‌گذاری شد، سعی کرد آن را زیر نفوذ خود بیاورد.

۳- لونی آگوست بلانکی (۱۸۸۱-۱۸۰۵) انقلابی فرانسوی و جمهوری‌خواه رادیکال بود. بلانکی معتقد بود که توده زحمتکش قادر به آزادی خویش نیست. بنابراین او پیشنهاد ایجاد یک سازمان مخفی و متمرکز از انقلابیون را می‌داد که از طریق قیام مسلحانه نخبگان، قدرت را به‌دست گیرند.

## « آئین‌نامه موقت انجمن بین‌المللی کارگران » (۱)

### کارل مارکس

با توجه به این

— که رهایی طبقات کارگر باید به دست خود طبقات کارگر انجام شود؛ که مبارزه برای رهایی طبقات کارگر نه به معنی مبارزه برای امتیازات و انحصارات طبقاتی بلکه برای حقوق و وظایف مساوی و لغو هرگونه سلطه طبقاتی است.

— که انقیاد فرد کارگر به دست انحصارکنندگان ابزار کار، یعنی انحصارکنندگان منابع حیات، علت اصلی هر شکل بردگی و هر بدبختی اجتماعی، تحقیر روانی و وابستگی سیاسی است.

— که بنابراین رهایی اقتصادی طبقات کارگر هدف بزرگی است که هر جنبش سیاسی می‌باید به عنوان وسیله‌ای تحت‌الشعاع آن قرار گیرد.

— که همه تلاش‌ها برای دستیابی به این هدف بزرگ تاکنون به دلیل فقدان همبستگی در بین بخش‌های گوناگون کارگران هر کشور و فقدان پیوند برادروارانه اتحاد بین طبقات کارگر کشورهای مختلف با ناکامی روبه‌رو شده است.

— که رهایی کار نه یک مسئله محلی یا ملی که مسئله‌ای است اجتماعی که همه کشورهای صاحب جوامع مدرن را در بر می‌گیرد و برای حل آن به همسازی عملی و نظری در بین کشورهای پیشرفته نیاز است.

— که احیای کنونی طبقات کارگر در صنعتی‌ترین کشورهای اروپا در عین حال که امید جدیدی را به همراه دارد علیه تکرار اشتباهات گذشته هشدار خطیر می‌دهد و نیاز ترکیب فوری جنبش‌های هنوز پراکنده را مطرح می‌کند.  
به این دلایل —

امضاء کنندگان ذیل که عضو کمیته‌ای هستند که اختیاراتش از مصوبه جلسه عمومی ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ در تالار سنت مارتین لندن ناشی می‌شود، گام‌های لازم را برای تأسیس «انجمن بین‌المللی کارگران» برداشته‌اند.

آنان اعلام می‌کنند که این «انجمن بین‌المللی» و همه مجامع و افراد هوادار آن حقیقت، عدالت و اخلاقیات را پایه رفتار خود نسبت به یکدیگر و نسبت به همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، اعتقادات یا ملیت قرار می‌دهند.

آنان وظیفه هر انسان می‌دانند که خواهان حقوق انسانی و شهروندی، نه صرفاً برای خویش که برای هر انسانی باشد که به وظیفه خود عمل می‌کند هیچ حقوقی بدون وظیفه و هیچ وظیفه‌ای بدون حقوق (نیست).

و با همین روحیه، آنان آئین‌نامه موقت زیر را برای «انجمن بین‌المللی» تدوین کرده‌اند.  
۱- انجمن (بین‌المللی کارگران) به عنوان مرکز ارتباطات و همکاری مابین جوامع کارگران موجود که در کشورهای متعددی به دنبال اهداف یکسانی هستند، در جهت حفاظت از طبقات کارگر و پیشرفت و رهایی کامل آنان عمل می‌کند.



۲- نام این جامعه «انجمن بین‌المللی کارگران» خواهد بود.

۳- «کنگره عمومی کارگران» با شرکت نمایندگان همه مجامع کارگری که به «انجمن بین‌المللی» پیوسته‌اند در بلژیک به سال ۱۸۶۵ برگزار خواهد شد. در برابر اروپا، کنگره اعمال مشترک طبقات کارگر را اعلام خواهد کرد؛ آئین‌نامه دایم «انجمن بین‌المللی» را تصویب خواهد نمود؛ ابزار و طرق لازم برای موفقیت در فعالیت‌هایش را بررسی خواهد کرد و «شورای مرکزی انجمن» را تعیین خواهد نمود.

۴- مقر «شورای مرکزی» لندن خواهد بود و (این بدنه) از کارگرانی از کشورهای گوناگون که در «انجمن بین‌المللی» حضور دارند تشکیل خواهد شد. «شورای مرکزی» از بین اعضایش مسئولین لازم برای انجام فعالیت‌هایش؛ چون یک رئیس، یک خزانه‌دار، یک دبیر کل و دبیران ارتباط با کشورهای گوناگون و غیره را انتخاب خواهد کرد.

۵- «کنگره عمومی» در جلسات سالانه‌اش، بیاناتی عینی فعالیت‌های مالی «شورای مرکزی» را دریافت خواهد کرد. «شورای مرکزی» که هر سال توسط کنگره تعیین می‌شود، این اختیار را خواهد داشت که به تمسّد اعضایش بیافزاید، در شرایط اضطراری، «شورای مرکزی» می‌تواند «کنگره عمومی» را زودتر از موقع مقرر برگزار کند.

۶- «شورای مرکزی» به‌مثابه یک بدنه بین‌المللی از میان گروه‌های ملی و محلی «انجمن بین‌المللی کارگران» تشکیل می‌شود تا کارگران در یک کشور به‌طور دایم از حرکت طبقه‌شان در دیگر کشورها با خبر شوند؛ تا کنش‌ها و در شرایط اجتماعی کشورهای مختلف اروپا به‌طور هم‌زمان انجام و به‌طور یکسان هدایت شود؛ تا مسایل مورد بحث در یک کشور که مورد علاقه عمومی است از جانب همه به بحث گذارده شود. به عنوان مثال در درگیری‌های بین‌المللی، مجامع پیوسته بتوانند هم‌زمان و یکسان عمل کنند. هر زمان که مناسب به نظر آید، «شورای مرکزی» در ارائه پیشنهادات به مجامع ملی و محلی پیش‌قدم خواهد شد.

۷- از آن‌رو که موفقیت جنبش کارگران در هر کشور بدون قدرت ناشی از اتحاد و الحاق آنان با یک‌دیگر میسر نمی‌شود و از آن‌جا که ثمربخشی «شورای مرکزی بین‌المللی» به‌طوری آشکار ناشی از این است که آیا یا چند مرکز از انجمن‌های کارگری در یک کشور سر و کار دارد و یا با تعداد زیادی مجامع محلی و پراکنده، اعضای «بین‌المللی» تا سر حد امکان خواهند

کوشید تا مجامع پراکنده کارگری را در هر کشوری که در آن فعال هستند در بدنه‌های سراسری (کشوری) که توسط ارگان‌های ملی و مرکزی نماینده‌گی می‌شوند، ادغام کنند. به هر حال، آشکار است که انجام این امر در گروه قوانین حاکم بر هر کشور و این امر است که صرف‌نظر از موانع قانونی، هیچ مجمع ملی مستقلی از تماس مستقیم با «شورای مرکزی» لندن منع نخواهد شد.

۸- تا زمان برگزاری اولین کنگره، کمیته برگزیده در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۸۶۴ به عنوان «شورای مرکزی موقت» فعالیت خواهد کرد تا انجمن‌های ملی کارگران را به هم مربوط سازد. اعضایش در «پادشاهی متحد» (انگلیس، ولز، اسکاتلند و ایرلند) را ثبت نام کند، اقدامات تدارکاتی جهت برگزاری «کنگره عمومی» را به انجام رساند و با مجامع ملی و محلی در مسورد مسایل اساسی که باید پیش روی کنگره قرار گیرد به گفتگو بپردازد.

۹- هر گاه عضوی از «انجمن بین‌الملل»، محل اقامت خود را از کشوری به کشوری دیگر تغییر دهد از حمایت برادرانه «انجمن بین‌المللی کارگران» برخوردار خواهد شد.

۱۰- مجامع کارگرانی که به «انجمن بین‌المللی» می‌پیوندند، در عین حفظ پیوند مداوم همکاری برادرارانه، تشکلات موجود خود را دست نخورده حفظ خواهند کرد.

## «آئین نامه و مقررات اداری انجمن بین‌المللی کارگران» «آئین نامه»

با توجه به این

که رهایی طبقات کارگر باید به دست خود طبقات کارگر انجام شود؛ مبارزه برای رهایی طبقات کارگر نه به معنی مبارزه برای امتیازات و انحصارات طبقاتی بلکه برای حقوق و وظایف مساوی و لغو هرگونه سلطه طبقاتی است.

که انقیاد فرد کارگر به دست انحصارکنندگان ابزار کار، یعنی انحصارکنندگان منابع حیات، علت اصلی هر شکل بردگی و هر بدبختی اجتماعی، تحقیر روانی و وابستگی سیاسی است. که بنابراین رهایی اقتصادی طبقات کارگر آن هدف بزرگی است که هر جنبش سیاسی می‌باید به عنوان وسیله‌ای تحت الشعاع آن قرار گیرد.

که همه تلاش‌ها برای دست‌یابی به این هدف بزرگ تاکنون به دلیل فقدان همبستگی در بین بخش‌های گوناگون کارگران هر کشور و فقدان پیوند برادریانه اتحاد بین طبقات کارگر کشورهای مختلف با ناکامی روبه‌رو شده است.

— که رهایی کار نه یک مسئله محلی یا ملی که مسئله‌ای است اجتماعی که همه کشورهای صاحب جوامع مدرن را در بر می‌گیرد و برای حل آن به همسازی عملی و نظری در بین کشورهای پیشرفته نیاز است.

— که احیای کنونی طبقات کارگر در صنعتی‌ترین کشورهای اروپا در عین حال که امید جدیدی را همراه دارد، علیه تکرار اشتباهات گذشته هشداری خطیر می‌دهد و نیاز ترکیب فوری جنبش‌های هنوز پراکنده را مطرح می‌کند.  
به این دلایل —

اولین کنگره بین‌المللی کارگران اعلام می‌کند که این انجمن بین‌المللی و همه مجامع و افراد هوادار آن حقیقت، عدالت و اخلاقیات را پایه رفتار خود نسبت به یکدیگر و نسبت به همه انسان‌ها بدون در نظر گرفتن رنگ پوست، اعتقادات یا ملیت قرار می‌دهند.

این کنگره وظیفه هر انسان می‌داند که خواهان حقوق انسانی و شهروندی، نه صرفاً برای خویش که برای هر انسانی باشد که به وظیفه خود عمل می‌کند، هیچ حقوقی بدون وظیفه و هیچ وظیفه‌ای بدون حقوق (نیست).

و با همین روحیه، آنان آئین‌نامه زیر را برای «انجمن بین‌المللی کارگران» تدوین کرده‌اند.  
۱- انجمن (بین‌المللی کارگران) به عنوان مرکز ارتباطات و همکاری مابین جوامع کارگران موجود که در کشورهای متعددی به دنبال اهداف یکسانی هستند در جهت حفاظت از طبقات کارگر و پیشرفت و رهایی کامل آنان عمل می‌کند.

۲- نام این جامعه «انجمن بین‌المللی کارگران» خواهد بود.

۳- «شورای عمومی» از کارگران کشورهای گوناگون که در «انجمن بین‌المللی» حضور دارند، تشکیل خواهد شد. «شورای عمومی» از بین اعضایش مسئولین لازم برای انجام فعالیت‌هایش، چون یک رئیس، یک خزانه‌دار، یک دبیر کل و دبیران ارتباط با کشورهای گوناگون و غیره را انتخاب خواهد کرد. کنگره مقرر «شورای عمومی» را برای یک سال تعیین می‌کند، تعدادی از اعضای آن را انتخاب می‌نماید با این اختیار که بتوانند بر تعداد اعضای این بدنه بیافزایند، و مکان و زمان برگزاری کنگره بعد را معین می‌کند. نماینده‌گان منتخب بدون هیچ‌گونه دعوت و بزه‌ای در زمان و مکان تعیین شده (برای شرکت در کنگره) حضور خواهند

یافت، در صورت نیاز «شورای عمومی» می‌تواند مکان کنگره را تغییر دهد اما قدرت تعویق زمان برگزاری کنگره را ندارد.

۴- «کنگره عمومی» در جلسات سالانه‌اش، بیان غلنی فعالیت‌های مالی «شورای عمومی» را دریافت خواهد کرد. در صورت اضطرار «شورای عمومی» می‌تواند «کنگره عمومی» را زودتر از موقع مقرر برگزار کند.

۵- «شورای عمومی» به عنوان عاملی بین‌المللی در میان انجمن‌هایی که با یکدیگر تعاون دارند تشکیل خواهد شد تا کارگران در یک کشور به‌طور دایم از حرکت کارگران در دیگر کشورها با خبر شوند؛ تا گندوکاو در شرایط اجتماعی کشورهای مختلف اروپا به‌طور همزمان و به‌طور یکسان هدایت شود؛ تا مسایل مورد بحث در یک کشور که مورد علاقه عمومی است از جانب همه به بحث گذارده شود، به عنوان مثال در درگیری‌های بین‌المللی، مجامع پیوسته بتوانند همزمان و یکسان عمل کنند. هر زمان که مناسب به نظر آید «شورای عمومی» در ارائه پیشنهادات به مجامع ملی و محلی پیش‌قدم خواهد شد.

برای تسهیل ارتباطات، «شورای عمومی» به‌طور متناوب گزارشاتی را نشر خواهد داد.

۶- از آن‌رو که موفقیت جنبش کارگران در هر کشور بدون قدرت ناشی از اتحاد و الحاق آنان با یکدیگر میسر نمی‌شود و از آن‌جا که ثمر بخشی «شورای عمومی بین‌الملل» به طرز آشکار ناشی از این است که آیا با چند مرکز از انجمن‌های کارگری در یک کشور سر و کار دارد و یا با تعداد زیادی مجامع محلی کوچک و پراکنده، اعضای «بین‌الملل» تا سر حد امکان خواهند کوشید تا مجامع پراکنده کارگری را در هر کشوری که در آن فعال هستند در بدنه‌های سراسری (کشوری) که توسط ارگان‌های ملی و مرکزی نمایندگی می‌شوند ادغام کنند. به هر حال، آشکار است که انجام این امر در گرو قوانین حاکم بر هر کشور و این امر است که صرف‌نظر از موانع قانونی، هیچ مجمع ملی مستقلی از تعارض مستقیم یا «شورای عمومی» منع نخواهد شد.

۷- شعبات و بخش‌ها در حوزه فعالیت خود تا آنجا که نفوذ دارند، نه تنها در همه مواردی که به پیشرفت کلی حیات اجتماعی یاری می‌رساند، بلکه همچنین در ایجاد انجمن‌های مولد و دیگر نهادهایی که برای طبقه کارگر مفید باشند، ابتکار عمل را بدست خواهند گرفت.

- ۸- هر گاه عضوی از «انجمن بین‌المللی» محل اقامت خود را از کشوری به کشور دیگر تغییر دهد از حمایت برادرانه «انجمن بین‌المللی کارگران» برخوردار خواهد شد.
- ۹- هر کس که اصول «انجمن بین‌المللی کارگران» را به رسمیت بشناسد و از آن حمایت کند شرایط عضویت در آن را حائز است، هر بخشی مسئول راستی و درستی اعضای است که می‌پذیرد.
- ۱۰- هر بخش یا شعبه حق انتخاب دبیر ارتباطات خود را دارد.
- ۱۱- مجامع کارگرانی که به «انجمن بین‌المللی» می‌پیوندند در عین حفظ پیوند مداوم همکاری برادرانه، تشکلات موجود خود را دست نخورده حفظ خواهند کرد.
- ۱۲- هر آنچه که در آئین‌نامه حاضر نیامده است از طریق مقررات ویژه‌ای که منوط به تجدیدنظر در هر کنگره هستند، تأمین خواهد شد.

## گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سالگرد انجمن بین‌المللی کارگران

او (مارکس) گفت که موفقیت بزرگ ناشی از فعالیت‌های تاکنونی بین‌الملل (انجمن بین‌المللی کارگران) ناشی از شرایطی است که از کنترل اعضایش خارج بوده است. (حتی) پایه‌گذاری بین‌الملل ناشی از این شرایط بود و نه به هیچ‌وجه به دلیل فعالیت مردانی که درگیر آن بودند. بین‌الملل حاصل فعالیت هیچ گروهی از سیاست‌مداران زیرک نبود؛ (چسوا که) همه سیاست‌مداران جهان نیز نمی‌توانستند شرایط لازم برای موفقیت بین‌الملل را فراهم آورند. بین‌الملل این خاصیت را پیشنهاد نکرد؛ وظیفه‌اش متشکل کردن نیروهای کارگری و اتصال جنبش‌های کارگران و ادغام آنان بود. راز موفقیت بین‌الملل در شرایطی نهفته بود که به ستم‌دیده‌گی هر چه بیشتر مردم کارگر در سراسر جهان دامن می‌زد و توسعه چشم‌گیر آن را باعث می‌شد. وقایع چند هفته گذشته به طرز بارزی به طبقه کارگر نشان داده است که باید برای رهایی (خویش) مبارزه کند. پی‌کرد بین‌الملل توسط حکومت‌ها همانند آزار و اذیت مسیحیان اولیه، به دست روم باستان است. ستم‌گری امپراطوری روم را نجات نداد و آزار و اذیت بین‌الملل نیز باعث نجات نظم موجود نخواهد شد.

نوآوری بین‌الملل در این بود که به دست خود کارگران و برای خود آنان ایجاد شده است. پیش از ایجاد بین‌الملل، عده‌ای رادیکال که از میان طبقات حاکم برخاسته بودند، همه سازمان‌های متعدد را برای طبقات کارگر تأسیس کرده بودند. اما بین‌الملل توسط خود کارگران و برای خود آنان به وجود آمد. جنبش چارتیست‌ها در این کشور (انگلستان) با توافق و بیاری

رادیکال‌های طبقه متوسط به وجود آمد؛ اگر چه موفقیت‌اش مرهون توانایی‌های طبقه کارگر است. انگلستان یگانه کشوری بود که طبقه کارگرش به اندازه کافی رشد کرده و متشکل شده بود تا به حق رأی عمومی مفهومی واقعی بخشد.

او (مارکس) سپس به انقلاب فوریه (۱۸۴۸)، به عنوان جنبشی که به نفع بخشی از بورژوازی و بر علیه حزب حاکم عمل کرده بود، پرداخت. انقلاب فوریه ضمن دادن وعده‌هایی به طبقات کارگر، (صرفاً) بخشی از طبقه حاکم را با بخش دیگری جایگزین کرد. طبقیان ژوئن، قیام بر علیه کل طبقه حاکم، از جمله رادیکال‌ترین بخش آن بود. کارگرانی که در سال ۱۸۴۸ افراد جدیدی را به قدرت رسانیدند، به طوری غریزی احساس می‌کردند که با تعویض دسته‌ای از ستم‌گران با دسته‌ای دیگر از ستم‌گران به آنان خیانت شده است.

آخرین جنبش و مهم‌ترین آنان، کمون (پاریس) بود که در مورد آن تنها می‌توان یک نظر داشت: کمون تسخیر قدرت سیاسی توسط طبقات کارگر بود. سردرگمی زیادی در مورد کمون وجود دارد. کمون توانست یک شکل جدیدی از حکومت طبقاتی را به وجود آورد. با نابودسازی شرایط ستم از طریق انتقال همه ابزار کار به کارگران مولد و بنابراین اجبار همه افراد توانا به کار برای امرار معاش، (کمون) پایه حکم طبقاتی و ستم را از بین برد. اما پیش از این که چنین تحولی بتواند صورت پذیرد به یک دیکتاتوری پرولتری نیاز بود که پیش شرط آن یک ارتش پرولتری است. طبقات کارگر می‌باید حق آزادسازی خود را در میدان جنگ به دست آورند. وظیفه بین‌المللی این بود که نیروهای کارگری را با تشکل و ترکیب آنان برای چنین مبارزاتی در آینده آماده سازد.

## یادداشت

- ۱- هر سه مطلب - «آئین‌نامه موقت انجمن بین‌المللی کارگران»، «آئین‌نامه و مقررات اداری انجمن بین‌المللی کارگران» و «گزارشی از سخنرانی کارل مارکس به مناسبت هفتمین سال‌گرد انجمن بین‌المللی کارگران» - توسط کامران نیری به فارسی برگردانده شده است.



# دو گزارش کارگری از کشورهای آسیایی

گزینش و ترجمه: محمد صفوی

مطلب زیر توسط «طارق عوان»، از فعالین جنبش کارگری پاکستان تهیه شده است. وی با «مرکز آموزش و پژوهش‌های کارگری» که نهادی غیردولتی است، همکاری می‌کند. «طارق عوان» مطالب و پژوهش‌های متفاوتی در مورد وضعیت و شرایط کار در پاکستان تهیه کرده است که بعضاً در فصل‌نامه آسیایی به نام Asia Labour Up Date به چاپ رسیده‌اند. مطلب زیر برای نخستین بار در فصل‌نامه مذکور، مورخ تابستان ۲۰۰۶ به زبان انگلیسی به چاپ رسیده است.

## وضعیت ایمنی و بهداشت شغلی کارگران در پاکستان

جمعیت پاکستان نزدیک به ۱۳۵ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر است. طبق آمارهای دولتی نیروی کار پاکستان بالغ بر ۳۹ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر است که حدود ۶ میلیون در بخش صنعت و ۱۷/۵ میلیون در بخش کشاورزی و ۱۰/۵ میلیون در بخش خدمات مشغول به کار هستند. بر اساس آمار وزارت کار پاکستان، تاکنون ۷۳۴۶ اتحادیه کارگری در پاکستان به ثبت رسیده‌اند که در مجموع ۳۹۳۵۳۰ عضو دارند که ۲۸۸۲۲۷ نفر از اعضای اتحادیه‌ها مرد و ۵۲۰۳ نفر زن هستند. بر اساس این آمار کمتر از ۳ درصد از کارگران پاکستان در تشکل‌ها و اتحادیه‌های کارگری سازمان‌دهی شده‌اند.

در مورد میزان حوادث و سوانح شغلی هیچ‌گونه آمار دقیقی وجود ندارد، چرا که تعداد بسیار زیادی از سوانح شغلی به وزارت کار گزارش نمی‌شود و اساساً سوانح شغلی در هیچ‌جا ثبت نمی‌شوند. بیماری‌های ناشی از شغل‌های زیان‌آور در محیط‌های غیرایمنی و غیربهداشتی کار به طرز وحشتناکی رو به فزونی است. هر روز کارگران بیشتری که با مواد شیمیایی گوناگون و سمی سر و کار دارند دچار بیماری‌های مهلک می‌شوند. در بخش کشاورزی و صنعت، وجود تکنولوژی‌های قدیمی و ماشین‌آلات فرسوده و کهنه، نبود آموزش بهداشت و ایمنی به کارگران و نبود وسایل پیشگیری و حفاظتی و عدم وجود قوانین مؤثر در عرصه بهداشت و ایمنی از حیان کارگران قربانی می‌گیرد. میلیون‌ها کارگر بی‌سواد، در بخش‌های غیررسمی، نظیر بخش‌های ساختمانی و کشاورزی و معادن که هیچ‌گونه نظارت دولتی بر آن‌ها وجود ندارد، مشغول به کار هستند. اکثر کارگرانی که در این بخش‌ها و یا در کارگاه‌های کوچک کار می‌کنند، کارگران زن و یا کودکان کارگر هستند که هیچ‌گونه دسترسی به ابتدائی‌ترین امکانات ایمنی و بهداشتی ندارند. از این رو بیش‌ترین قربانیان حوادث شغلی از میان این کارگران هستند.

منابع دولتی هیچ‌گاه آمار و ارقام درستی در مورد سوانح شغلی و یا بیماری‌های ناشی از شغل‌های زیان‌آور منتشر نمی‌کنند. براساس یک آمار دولتی، هر ساله در بخش «توسعه آب‌رسانی و تولید برق» ۷۰ کارگر به‌خاطر برق‌گرفته‌گی جان خود را از دست می‌دهند. بر اساس این آمار در سال ۸۲،۲۰۰۰ کارگر به‌خاطر برق‌گرفته‌گی به‌هلاکت رسیده‌اند.

در بخش حمل و نقل، تنها در سال ۱۹۹۹ میلادی، در استان «پنج‌آب» ۶۵۲۳ نفر به‌خاطر تصادفات اتومبیل و یا اتوبوس جان خود را در جاده‌ها از دست دادند.

شرایط کار در بخش‌های دیگر مانند کارخانه‌های پارچه‌بافی و بافنده‌گی و کارخانه‌های تهیه مواد شیمیایی و کارگاه‌های دباغی و کاغذسازی و کارخانه‌های الکترونیک و تهیه شکر، به‌حدی زیان‌آور و خطرناک است که کارگران این کارخانه‌ها غالباً دچار بیماری‌های مهلک و کشنده از قبیل سرطان ریه و بیماری‌های پوستی و چشم و دچار سردردهای مزمن و بیماری‌های عفونی هستند. تعداد زیادی از کارگران به‌خاطر صدای بیش از حد دستگاه‌های فرسوده و نداشتن گوشی، شنوایی خود را از دست داده‌اند. به این ترتیب است که میزان حوادث شغلی در این‌گونه مراکز کاری به مراتب بیشتر است.

به‌علاوه مواد زائد و آلوده کارگاه‌های رنگ‌رزی و دباغی، بدون هیچ‌گونه نظارتی به مجاری آب مصرفی ریخته می‌شود که در نتیجه سلامتی و بهداشت کارگران و مردم پیوسته در معرض خطر قرار دارد.

### بخش ساختمان

حوادث شغلی در میان کارگران ساختمانی به‌طرز وحشتناک و اسفناکی بالا است. غالب این کارگران که در این بخش مشغول به کار هستند از داشتن ابتدایی‌ترین وسایل ایمنی و بهداشت محروم هستند و معمولاً تحت پوشش قانون کار نیستند. کارگران کوره‌پزخانه‌ها به‌مراتب با وضعیتی دردناک‌تر روبه‌رو هستند طبق آمار وزارت کار، در مجموع ۱۰۰ هزار کوره‌پزخانه در ۴ استان پاکستان به‌کار مشغولند. کارگران کوره‌پزخانه‌ها به‌خاطر گرد و غبارهای ناشی از محیط کار عموماً به بیماری‌های عفونی، ریوی، تنفسی و چشمی و کمردرد و افسردگی مزمن دچار می‌شوند.

### معادن

بیشتر معادن پاکستان توسط شرکت‌های کوچک و یا متوسط، به‌طور خصوصی اداره می‌شوند. به‌خاطر نبود سیستم کنترل‌کننده و نبود امکانات حفاظتی و ایمنی، هر ساله تعداد زیادی از کارگران جان خود را در معادن از دست می‌دهند و هیچ‌گونه تلاشی از جانب صاحبان کار برای جلوگیری از تکرار حوادث در معادن به عمل نمی‌آید.

#### بخش صنعت، رسمی و غیررسمی

طبق تحقیقاتی که از جانب «مرکز بهبود شرایط کار» که مقر آن در لاهور است، انجام شده است، در تعداد زیادی از مراکز صنعتی کارگران از ابتدایی‌ترین وسایل بهداشتی و ایمنی محروم هستند برای نمونه در این مراکز صنعتی حتی دست‌شویی و مستراح وجود ندارد و فضای درون کارخانه‌ها آلوده و سمی است و هیچ‌گونه سیستم تهویه هوا وجود ندارد. این کارخانه‌ها فاقد وسائل اطفاء حریق هستند کارگران از امکانات کمک‌های اولیه پزشکی در محل کار محروم هستند و کارخانه‌ها فاقد تابلوها و علائم اختطاری می‌باشند.

#### کودکان کارگر و بهداشت و ایمنی شغلی

کودکان کارگر غالباً در کارگاه‌های جهنمی قالبی‌بافی، کارگاه‌های تعمیر اتومبیل، مکانیکی، جوشکاری‌ها و در کارگاه‌های تولید مواد شیمیایی و یا به عنوان واکسی و یا اشغال جمع‌کن و یا گل‌فروش اشتغال دارند. کودکانی که در کارگاه‌های مکانیکی و تعمیراتی کار می‌کنند، به‌خاطر کار با مواد فوق‌العاده آتش‌زا و کار با محلول‌های نفتی پاک‌کننده، مرتباً دچار حوادث دل‌خراشی از جمله سوخته‌گی و بیماری‌های تنفسی می‌شوند. از طرفی بسیاری از کودکانی که در این کارگاه‌ها کار می‌کنند به‌خاطر استنشاق بنزین و مواد آلوده نفتی دچار کم‌خونی (کمبود گلبول‌های قرمز در خون) و دچار ضعف مفرط هستند. بیماری‌های پوستی و سرطان و افسرده‌گی از جمله موارد دیگری است که کودکان به آن‌ها دچار می‌شوند. گفتنی است که کار با بنزین و محلول‌های پاک‌کننده نفتی اعتیادآور نیز هست.

### کشاورزی

در بخش کشاورزی صاحبان کار بدون توجه به وضعیت بهداشتی و ایمنی کارگران و از طرفی برای سودجویی هر چه بیشتر، از مواد متنوع شیمیایی بسیار قوی، حشره کش و آفت کش استفاده می کنند صاحبان کار به کارگران دروغ می گویند که این مواد شیمیایی بی خطر و بی ضرر هستند اما واقعیت این است که بسیاری از کارگران بر اثر تماس با این مواد دچار بیماری های مهلک شده اند. بنابر گزارش یک نهاد غیردولتی؛ «کار با مواد گوناگون شیمیایی و در بخش کشاورزی باعث ضعیف شدن و از بین رفتن سیستم دفاعی بدن کارگران شده است که در نتیجه تعداد زیادی از کارگران کشاورزی دچار بیماری های لاعلاج مانند بیماری های داخلی روده و معده و خونریزی داخلی و مبتلا به سرطان و سبل شده اند. در ایام پنبه چینی، تعداد زیادی از زنان کارگر دچار بیماری هایی شده اند که منجر به مرگ برخی از آنان گشته است.

### آتش سوزی در کارگاهها و مراکز صنعتی

اخیرا در یک کارخانه پنکه سازی در «گوجرات»، آتش سوزی مهیبی رخ داده که ۶ کارگر به طرز دل خراشی جان خود را از دست داده اند. هر روزه در جراید کثیرالانتشار اخبار مربوط به آتش سوزی در کارخانه ها که منجر به سوختن و مرگ کارگران می شود منتشر می شود. طبق آمار دولتی از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰، ۱۰۵ کارگر در کارخانه های کاغذسازی به خاطر انفجار بویلرها بر اثر سوخته گی فوت کرده اند. در بسیاری از کارخانه ها وسایل اطفاء حریق وجود ندارد و کارگران هیچ گونه آموزشی در مورد اطفاء حریق ندارند.

### زنان کارگر

فقر، بیسوادی و بیکاری و موارد نقض حقوق بشر و استثمار کودکان و سایر موضوعات اجتماعی مربوط به زنان، خصوصا زنان کارگر را در موقعیتی به مراتب دردناکتر قرار داده است.

بخش عظیمی از زنان کارگر، حتی زنانی که تحصیلاتی دارند، هیچ‌گونه اطلاعاتی در مورد قوانین بهداشت و ایمنی و قوانین کار ندارند. به همین خاطر میزان جراحات کارگری و بیماری‌های ناشی از شغل‌های زیان‌آور و سخت در میان زنان کارگر به مراتب بیشتر از مردان کارگر است.

ما به عنوان «مرکز آموزش و پژوهش‌های کارگری پاکستان» برای بهبود شرایط کار پیشنهاد می‌کنیم:

۱- دولت «شوراهای بهداشت و ایمنی شغلی» را در سطح کشوری و استانی و شهری و در هر کارخانه و کارگاه، سازمان‌دهی نماید؛ وسایل مربوط به بهداشت و ایمنی کارگران و حفظ جان و سلامتی کارگران را در محیط‌های کاری تضمین نماید.

۲- آموزش و تعلیم قوانین بهداشت و ایمنی و شیوه کار ایمن به کارگران و خصوصاً به رهبران اتحادیه‌ها و فعالین کارگری می‌بایست در دستور کار دولت قرار بگیرد.

۳- می‌بایست به زبان ساده به کارگران، ضرر و زیان مواد شیمیایی و سمی که در محیط‌های کاری استفاده می‌شود، آموزش داده شود. همچنین نحوه کار ایمنی یا ماشین‌آلات به کارگران باید تعلیم داده شود. حق آموزش و تعلیم از ابتدایی‌ترین حقوق کارگری است که می‌بایست از جانب دولت و کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری تضمین و تامین شود.

۴- حداقل ۲ درصد از درآمد هر کارخانه و کارگاه باید صرف مخارج بهداشت و ایمنی هر کارخانه و کارگاه شود.

۵- علامات و تابلوهای اخطاری و جزوات آموزشی بهداشت و ایمنی به زبان ساده و به زبان محلی هر منطقه می‌بایست در همه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در میان کارگران توزیع شود.

۶- هم اکنون فقط ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار کارگر مشمول قوانین کار هستند ما پیشنهاد می‌کنیم که همه ۳۹ میلیون کارگر پاکستانی تحت پوشش قوانین کار و قوانین بهداشت و ایمنی و خدمات تامین اجتماعی قرار بگیرند.